

# آزادی بحث و اظهار نظر

علی (ع) : **مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَاءِ**

کسیکه از آراء گوناگون استقبال کند و آنها را بررسی نماید موارد اشتباه را می‌شناسد .

## بحث آزاد

تدریج عقیم می‌گردد، افراد قالبی بارمی آیند و جوانمهر استعدادی می‌خشکد و هرگاه جامعه‌ای بدین حالت افتاد بمرگ نزدیکتر میشود و از حرکت و تحول و تغییر نسل و رشد تاریخ بسوی فردا باز می‌ماند .

رابطه انسان با خداوند، گشودن افق تابی نهایت گسترده بروی انسان است، سلب آزادی و محصور کردن اندیشه این افق را بروی انسان می‌بندد و او را در یک محدوده تنگ و تاریک محصور می‌سازد و جلورشده و تکامل انسان رامی‌گیرد و او را از سیر و حرکت بسوی ابدیت باز می‌دارد .

### استبداد دینی و عقیدتی در قرون وسطی

اروپا در قرون وسطی نمونه‌ای از اینگونه جوانمهر بود، آن روزی که اربابان کلیسا برخلاف فرمان مسیح (ع) بینش اعتقادی را در قالب های ثابت

در جامعه‌ای که آزادی نباشد مغزها تنبل میشود، قوه ابتکار و توانائی اندیشه ضعیف میگردد هرگاه این حالت در جامعه جریان پیدا کند، مطلق اندیشه را در همه زمینه‌ها ناتوان می‌سازد و این ناتوانی در طول زمان تشدید میشود و سرانجام جامعه به-

زمان متحجر کرده بودند و فقه مذهبی و قوانین و احکام را به صورت سنتهای راکد و تعبیرهای وروثی و اعمال تکراری و عبث و بی‌روح درآورده بودند، هیچ فردی قادر نبود عقیده و اندیشه خود را فارغ از هر عیب و هراس بیان کند و حتی دانشمندان بغاظر ارائه و عرضه افکارشان مورد تعدی و ظلم و فشار و تکفیر و تحریم قرار می‌گرفتند و گاهی بجرم کشف علمی، زنده زنده می‌سوزانیدند. چنانکه «گالیله» دانشمند علم فیزیک را بجرم اینکه بحرکت زمین نظر داده بود، بگناه انشای حقایق علمی محکوم ساختند و در سال ۱۶۰۰ میلادی نوکران پاپ در حالیکه سرود مذهبی می‌خواندند، دانشمند نامی «جیوردانو برونو» را در یکی از میدانهای ایتالیا زنده زنده سوزانیدند.

\* \* \*

### طبیعه آزادفکری در اروپا

آن دوران به جهان غرب، خرافات و سنتهای کهن حکومت میکرد و اروپائی در اتفاق و اتحاد فکری و علمی قرون وسطی جان میداد ولی همینکه «فرانسین بیکن» با آوردن طریقه مشاهده و تجربه در امور طبیعی نخستین ضربه را بر پیکر تفکر تقلیدی و بی-اساس قرون وسطی وارد ساخت و جرأت و جسارتی بدانش پژوهان داد. این تاریخ، طبیعه آزادفکری و مقدمه اعتلاء و ترقی اروپائیان می‌باشد. آری با طلوع رنسانس تناقضات فکری و کشمکشها در آن بالا گرفت و شعله‌های مقدس درهم افتاد و آن یخها و انجمادهای خفقان‌آور شکست و دریا‌های اندیشه و شناخت جوشش کرد و دامن گسترده.

یکی از دانشمندان غرب بنام «مارسل کاشن» می‌نویسد: «در این دوره ۵ میلیون نفر را بجرم فکر کردن و تحطی از فرمان پاپ بدار آویختند و تاحسد مرگ در سیاه‌چالهای تاریک و مرطوب نگهداشتند تنها از سال ۱۴۸۱ تا ۱۴۹۹ یعنی طی ۱۸ سال بنا بدستور محکمه تفتیش عقاید ۱۰۲۲۰ نفر را زنده سوزانیدند ۶۸۶ نفر راشقه کردند و ۹۷۰۲۳ نفر را بقدری شکنجه دادند که نابود شدند (۱)

«انگیزیسون» یک جوان ۱۹ ساله را بجرم خواندن تورات آتش زد. وقتی که رجال دادگاه او را دستگیر نمودند، پرسشهایی در باره بعضی از مراسم دینی، از وی نمودند، چون او گفت که این تشریفات ارزشی ندارد، او را زندانی ساخته و سپس او را سوزانیدند در حالیکه او گفت: من در راه

۲ - بنا بنقل: جرج جرداق، امام‌عی

ج ۱۵۲/۲

۱ - تاریخ تحولات اجتماعی ج ۱۴۳/۲

داشت از کار خود افسرده می‌شد ، ناقدی که معنی تحقیق را می‌فهمید گفت که : ادیسون موقتیهای علمی درخشان بدست آورده است زیرا وی کشف کرده است که : «هزار و هفتصد و چند راه وجود دارد که به کشف تلگراف بی سیم منجر نمی‌شود

\* \* \*

خلاصه اروپائی همینکه از سانسورها و اختناق آزادشد با شتاب رشد کرد و استعداد خلاقه خورش را بمتصه بروز رسانید .

### تحقیق علمی و بینش آزاد در اسلام

از اینجاست که اسلام به آنچه که امروز روح علمی و بینش آزاد تحقیقی می‌نامند، معتقد بوده و برای پیروان خود بحث و ابراز نظر در اصول دین را آزاد و مجاز اعلام کرده است و لذا علمای اسلامی به صراحت گفته‌اند! «تقلید در اندیشه و اصول عقاید جایز نیست» و این آزادی که اسلام پایه گذار آن است، کلید و رمز رشد و ترقی در اندیشه‌ها و بهره‌های ناشی از آن می‌باشد ، زیرا آزادی در بحث و عقیده منجر به برخورد آراء و نظریات و تصادم عقاید و افکار محققان و متفکران می‌شود و حقیقت اذرون اینگونه در گیرها تجلی می‌نماید . ولی آنجا که آزادی افکار نیست و اندیشه‌ها با هم تصادم ندارد، فکرمی‌میرد .

پس تنها تکامل فکری و علمی به برکت آزادی تحقیق علمی و تصادم عقاید و افکار صاحب نظران می‌سراست بهمین ملاحظه پیامبر اکرم در آن حدیث معروف، اختلاف نظر در مسائل علمی را در میان علمای امت خود برکت و رحمت شمرده است :

۱ - احتجاج طبرسی صفحه ۶ - ۹

### «اختلاف علماء امتی رحمة»

در مذهب ما تحقیق علمی و بینش آزاد فی حد ذاته مطلوب و ارجمند است تا آنجا که اگر محقق در اجتهاد علمی خویش دچار اشتباه شود و نظریه‌ای بدهد ، باز هم پاداش خود را خواهد داشت زیرا در مذهب ما ، للمصیب اجران وللمخطی اجر واحد « محقق که نظرش با واقع تطبیق کند و به نتیجه درستی برسد ، دو پاداش دارد و اگر بیخطا رفته باشد یک پاداش . این طرز تفکر نشان می‌دهد که خود تحقیق و اظهار نظر در مذهب ما مطلوب است .

### بحث آزاد در اسلام

میزان آزادی مذهبی و فکری را در اوائل اسلام می‌توان از کتب « احتجاج » حدس زد . طبق نقل « احتجاج » پیامبر اکرم (ص) به مخالفین خود آنچنان آزادی میداد که آنان با کمال گستاخی با پیامبر به بحث می‌نشستند و دلائل خود را ارائه میدادند : « پیامبر اکرم روزی در مسجد نشسته بود علمای پنج ملت : یهود، نصاری، دهری، مانوی و مشرکان، جهت مناظره و مباحثه دور او را گرفته هر کدام سئوالات خود را مطرح می‌ساختند و از پیامبر پاسخ دریافت میداشتند (۱)

دانشمندان و علمای همه مذاهب به قدری در محیط اسلامی آزادی داشتند که می‌توانستند آزادانه و با گستاخی با پیشوایان دینی و علماء و دانشمندان مسلمان به بحث و مناظره بپردازند حتی علمای مذاهب باهم درباره خدا و بر علیه اسلام

و بر ضد قرآن بحث میکردند و برخی از آنان سخنانی هم از خود می‌ساختند و آنها را در مقابل قرآن ، کتاب خدا ، می‌نهادند . (۱)

آنها در اوج حکومت اسلامی و همه آزاد بودند که حرف خودشان را بگویند و گستاخی و آزادی را بجائی رسانده بودند که در ۱۰۰م هج در مسجد الحرام در تجلیگاه عظمت اسلام و مسلمین ، آداب و مناسک دینی را بدیده استهزاء می‌نگریستند ، گروهی از دانشمندان مادی از قبیل : ابن ابی العوجا ، ابن طلوت ، ابن الاعمی ، و ابن المنعم و جمعی دیگر که در موسم حج در مسجد الحرام بودند همینکه نظرشان به رئیس مذهب شیعه امام صادق (ع) افتاد به ابن ابی العوجا گفتند : می‌توانی با این مرد بحث کرده و براو سخت بگیري و از او سئوالاتی بنمائی که او را در حضور همه رسوا سازی ، می‌بینی که مردم چگونه به او علاقمندند و او علامه زمان خود می‌باشد ؟ ! « ابن ابی العوجا » پذیرفت و پیش رفت و با گستاخی هرچه تمامتر سئوالاتی از امام نمود . امام صادق (ع) با منطق محکم و عالی به همه اشکالات او پاسخ گفت .

در پایان امام فرمود : اگر در چیزهایی که پیغمبر اسلام آورده شکی داری بپرس تا توضیح دهم . « ابن ابو العوجا » از سخن باز ماند و نتوانست چیزی بگوید از نزد امام رفت و بدوستان خود گفت : من از شما خواستم قطعه حصیری بمن

بدهی روی آن بنشینم شما مرا روی آتش انداختید دوستانش به او گفتند : ساکت باش که جداً ما را مفتضح کردی و نتوانستی جواب بگوئی و ما هیچگاه ترا این چنین حقیر ندیده بودیم .

در پاسخ گفت : مگر نمی‌دانید که این فرزند کسی است که سرهای این مردم را تراشیده است (اشاره به جمیعت انبوه حاجیان کرد) (۲)

دانشمند دیگری با امام رضا (ع) مناظره می‌کرد پرسید که این روزه و نماز برای شما چه فائده ای دارد ؟ فرمود اگر قیامتی باشد که حتماً هست) اداه این فرائض ما را سود دهد و اگر نباشد از انجام این اعمال زیانی بما نرسد (۳)

بدین ترتیب دانشمندان در محیط اسلامی از آزادی کاملی برخوردار بودند و در محیط اسلامی می‌توانستند کتابی بنویسند یا اشعاری بگویند که در ضمن آن از عقاید خود دفاع نمایند (۴) مسلمانان ، معتقد بودند باید غلبه بر مخالفان با استدلال و منطق باشد نه بزور و قدرت زیرا غلبه بی که با قدرت حاصل شود با زوال قدرت هم از میان میرود ، اما پیروزی که با دلیل و برهان حاصل شود هیچ چیز نمی‌تواند آن را از میان ببرد .

پیداست که از يك چنین آزادی در بحث و ابراز عقیده ، تمایلات و گرایشهای دیگر بوجود می‌آید که به سود و ترقی جامعه و دفع جمود فکری و نفی گرایش به سکون و رکود می‌باشد . به تعبیر یکی از دانشمندان فرانسه :

(۱) تاریخ گزیده : در احوال الهادی بالله ص ۳۰۰

(۲) بحار الانوار ج ۴ - ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰ - طبع کمپانی ۲۴ جلدی

(۳) اصول کافی و کتاب توحید/ حدیث سوم ص ۷۸ (۴) فهرست ابن ندیم صفحه ۴۸۶

« ژول لایوم » : « این تحولات و دگرگونیها ، پایتخت اسلام تألیف شده است و تا قرن پنجم این حاصل آزادی بحث و ابراز عقیده و تبادل افکار آزادی بوده است .

و اندیشه‌هاست . از تصادم آزادانه افکار است که دوران تعصب شروع می‌شود و بعداً اختناق مذهبی و کشت و کشتار آغاز میگردد و مسلمانان بکلی در افکار و اندیشه را بروی خود می‌بندند و دچار جمود و سکون اندیشه و تحجر فکری میگردند ، در نتیجه تمدن عظیم خود را بادت خود نابود میکنند .

بنابراین آنهمه پیشرفت فکری و علمی بی که در سه چهار قرن اول اسلام نصیب مسلمانان گردید معلول بحث آزاد بود و آنهمه انحطاطی که از آن پس مسلمانان گرفتار شدند معلول تسلط يك « فکر » و يك جهت سیاسی واحد و تخفیف آزادی بحث بود .

و لذا بسیاری از آثار زرتشتیان و یهود و نصاری در دوره تمدن اسلامی نوشته شده است . یکی از کتابهای مهم زرتشتی که « دینکرت » نام دارد بیش از نیمی از این کتاب در دفاع از ثنویت در مقابل توحید است که مذهب یهود ، نصاری و اسلام می باشد (۲) این کتاب در خود بغداد

۱ - ایدئولوژی و فرهنگ اسلام از دیدگاه ژول لایوم صفحه ۱۶۸ -

۲ - تمدن ایران بقلم چند تن از خاورشناسان صفحه ۲۴۱

بقیه از صفحه ۱۳

برابر مکتبهای سوسیالیستی و انکار مسلمات فقه اسلامی اصالت و استقلال فکری خودمانرا حفظ کنیم ، و به بحث و تحقیق بیشتر در زمینه این چهار امر و شرایط آنها پردازیم تا روشن شود که : اسلام مکتبی ویژه خود دارد که نه راه کمونیسم را می پیماید و نه سرمایه‌داری را و در عین حال چرخهای تولید را بطور موثری بکار می‌اندازد .

اگر ما بخواهیم حق ابرار را بکلی انکار کنیم یا محدود به مقدار استهلاک بدانیم باید این چهار باب را از فقه اسلامی را بکلی حذف کنیم و این کاری است که هیچ محقق اسلامی نمی‌تواند زیر بار آن برود . پس چه بهتر که بجای مرعوب شدن در